

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No.۷, Mehr ۲۰۲۲

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.318766.2777>

The Human Consequences of Climate Change with Emphasis on Human Rights Considerations and the ۲۰۱۵ Paris Convention

The Paris Agreement is one of the most important global climate change agreements that has created requirements in international and domestic laws that have affected the rights of individuals and human rights in various cases. The purpose of this article is to explain the human consequences of climate change. Emphasis is placed on human rights considerations and the ۲۰۱۵ Paris Convention. The research method is descriptive-analytical. The results of the study showed that climate change and measures taken to reduce climate change and adapt to the adverse effects of those communities and nations have been severely affected and a threat to the destruction of people's culture, uninhabitable land → Their deprivation of livelihoods, the global spread of deadly diseases, and the serious threat to human rights to international peace and security. The negative impact of water resources and the effective enjoyment of the right to water and food has also been exacerbated by climate events, such as floods and droughts. Therefore, States Parties to the Convention on Climate Change should incorporate general support into the climate change system in their climate change activities and, by providing sufficient transparency, the opportunity for public participation in decision-making processes. - Create a catch. It is therefore necessary to integrate human rights considerations into the relevant processes of the United Nations Structural Convention on Climate Change, including any institutional and legal structure resulting from the agreed results of the new negotiations.

Keywords: Human Rights, ۲۰۱۵ Paris Convention, Climate Change, Commitments.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.318766.2777>

عواقب انسانی تغییرات اقلیمی با تاکید بر ملاحظات حقوق بشری و کنوانسیون ۲۰۱۵ پاریس

محمدباقر محمودی^۱

مریم مرادی^۲

سیدباقر میرعباسی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳

چکیده

توافقنامه پاریس یکی از مهمترین توافقات جهانی تغییرات اقلیمی است که الزاماتی را در قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها به وجود آورد که حقوق افراد و حقوق بشر را در موارد مختلف تحت تاثیر قرار داده است و هدف این مقاله تبیین عواقب انسانی تغییرات اقلیمی با تاکید بر ملاحظات حقوق بشری و کنوانسیون ۲۰۱۵ پاریس می‌باشد. روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که تغییرات اقلیمی و اقدامات انجام شده مربوط به کاهش تغییرات اقلیمی و تطبیق یافتن با تاثیرات نامطلوب آن جوامع و ملت‌ها را به شدت تحت تاثیر قرار داده است و تهدیدی نسبت به ویرانی فرهنگ افراد، غیر قابل سکونت کردن سرزمین‌های آنان و محروم ساختن آنان از وسایل امرار معاش، شیوع جهانی بیماری‌های مهلک و تهدیدی جدی برای برخورداری بشر از حق نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی شده است. همچنین تأثیر منفی منابع آب و برخورداری مؤثر از حق نسبت به آب و غذا از طریق رویدادهای اقلیمی، مانند سیل و خشکسالی شده است. از این رو، کشورهای عضو کنوانسیون تغییرات اقلیمی، باید در فعالیت‌ها و اقدامات خود در ارتباط با تغییرات اقلیمی، باید حمایت‌های کلی را در نظام مقابله با تغییرات اقلیمی ترکیب کنند و با ایجاد شفافیت کافی، فرصت مشارکت عموم در فرآیندهای تصمیم‌گیری را ایجاد کنند. بنابراین ضروری است تا ملاحظات و توجهات حقوق بشری در فرایندهای مربوطه کنوانسیون ساختاری ملل متحد راجع به تغییرات اقلیمی، شامل هر ساختار نهادی و قانونی حاصل از نتایج مورد توافق مذاکرات جدید، ادغام شود.

کلید واژگان: حقوق بشر، کنوانسیون ۲۰۱۵ پاریس، تغییر اقلیم، تعهدات.

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد قشم، قشم، ایران bmi266@yahoo.com

۲- استادیار حقوق بین‌الملل خصوصی، دانشگاه آزاد واحد قشم، قشم، ایران (نویسنده مسئول)
moradimaryam@yahoo.com

۳- استاد گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران mirabbasi@ut.ac.ir

با توجه به عدم موفقیت چشمگیر معاهدات مربوط به تغییرات اقلیمی آب و هوا کنفرانس پاریس در سال ۲۰۱۵ در این زمینه شکل گرفت. موافقت‌نامه پاریس در زمینه مقابله با تغییرات آب و هوا به عنوان سند بین‌المللی بسیار مهمی که آثار و پیامدهای قابل ملاحظه‌ای برای وضعیت اقتصادی و توسعه کشورها و جهت‌دهی تولید و مصرف انرژی و سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های روز در جهان خواهد داشت. پس از سال‌های اختلاف مابین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه در زمینه تعیین سهم و چگونگی کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش‌های مختلف اقتصادی و تقسیم مسئولیت‌های هر یک از دو گروه در این زمینه، سرانجام در بیست و یکمین اجلاس متعاهدین کنوانسیون تغییر آب و هوای سازمان ملل متحد در پاریس در آذرماه سال ۱۳۹۴ به نتیجه رسیده و با اجماع مورد تأیید کلیه کشورهای عضو سازمان ملل قرار گرفت (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۱). کنوانسیون پاریس دولت‌ها را متعهد می‌نماید که با طراحی و پیگیری سیاست‌ها و برنامه‌های بلندپروازانه تا سال ۲۰۳۰، به ویژه برنامه‌های مناسب در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در بخش‌های مختلف اقتصادی و در راستای کاهش پیامدهای ناگوار تغییرات آب و هوا بر وضعیت محیط‌زیست، امنیت غذایی، سلامت و توسعه پایدار، اقدامات خود را اجرایی نمایند. در کنوانسیون پاریس علاوه بر این که کشورها باید اقدامات ملی خود را جهت اجرای مفاد کنوانسیون انجام دهند بلکه باید در یک رویکرد یا عملکرد جمعی نیز در رسیدن به اهداف عمل کنند. حق داشتن و هوای سالم در قالب حق بر محیط‌زیست قابل تجلی است که به نظر می‌رسد در کنوانسیون ۲۰۱۵ پاریس بیان گردیده است (خوش-رفتار، ۱۳۹۵: ۶۵). به واسطه توافق‌نامه پاریس، تعهدات کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از سال ۲۰۲۱ تنها متوجه کشورهای توسعه یافته نیست و همه کشورهای عضو کنوانسیون تغییرات آب و هوا درگیر این مسئله هستند. طبق توافق‌نامه اقلیم هر یک از کشورها قرار شد داوطلبانه برنامه‌های ملی خود موسوم INDC را برای مشارکت در این مسیر اعلام کنند که تا سال ۲۰۳۰ تا چه میزانی می‌تواند کاهش گازهای گلخانه‌ای داشته باشند، کشور ما نیز در همسویی با این حرکت‌های جامعه جهانی در آبان‌ماه سال گذشته برنامه اقدام مشترک ملی را تدوین و به تصویب هیات وزیران رساند (صالحی، ۱۳۹۶: ۶۷). این برنامه شامل فعالیت‌ها و اقداماتی بود که در زمینه تعدیل و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و در زمینه سازگاری در بخش کشاورزی و جنگل‌ها می‌توانیم انجام دهیم، وزارتخانه‌های نفت، صنایع، جهاد کشاورزی، بهداشت و... برنامه‌های خود را تحویل دادند، جمع‌بندی و برنامه‌ریزی صورت گرفت و این برنامه به تصویب رسید. قرار است که کشورها طبق این توافق‌نامه برای مقابله با رشد پدیده گرمایش جهانی و مقابله با آثار سوء آن اقداماتی انجام دهند (صدر، ۱۳۹۷: ۱۸). در قالب توافق‌نامه پاریس سازوکارهایی برای کمک منابع مالی نه بلاعوض پیش‌بینی شده است، وجود منابع مالی که بتواند جذب بخش‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری شود، بنابراین ظرفیت‌سازی و انتقال و توسعه تکنولوژی جزو تعهدات کشورهای صنعتی است که بتوانند کشورهای در حال توسعه را در کاهش گازهای گلخانه‌ای همراه کنند. برای ظرفیت‌سازی و انتقال تکنولوژی نیز سازوکاری پیش‌بینی شده است که کشورهای توسعه یافته و داوطلب در حال توسعه به صندوق اقلیم محیط زیست تزریق منابع کنند و در نظر گرفته شده که حداقل تا سال ۲۰۲۵ (در بازه زمانی ۱۰ ساله توافق پاریس) سالانه

معادل ۱۰۰ میلیارد دلار در قالب بلاعوض، چند جانبه تأمین منابع مالی با نرخ‌های تشویقی صورت گیرد تا ۵۰ درصد آن صرف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در کشورهای در حال توسعه و ۵۰ درصد آن صرف اقدامات سازگاری شود (توکلی و زرشناس، ۱۳۹۹: ۷۴). بنابراین از ابتدای ۲۰۱۶ میلادی تا پایان ۲۰۲۰ میلادی اقدامات شتاب یافته بیشتری در قالب تعهدات برای ۴۰ کشور توسعه یافته وجود دارد ولی از ابتدای ۲۰۲۱، ۱۹۵ عضو کنوانسیون در قالب برنامه اقدام عمل مشترک باید برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگار کردن خود با آثار سوء گرمایش کره زمین اقدام کنند (امینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

در زمینه موضوع رساله ما تاکنون تحقیقاتی چه در حوزه مفاهیم و چه در حوزه اصول و تفسیر تعهدات مندرج در کنوانسیون ۲۰۱۵، با توجه به نبودن موضوع صورت نگرفته است. اما در مورد موضوع در کلیت خود یعنی بررسی تغییرات اقلیمی و اثرات آن تحقیقاتی وجود دارد. در زیر به چند نمونه از پایان‌نامه‌های صورت گرفته و مقالات مربوطه اشاره می‌کنیم. در مطالعه‌ای شکیبایی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان واکنش اروپا در برابر خروج آمریکا از توافق‌نامه زیست‌محیطی پاریس: رویکرد نظریه بازی‌ها بیان کردند که نتیجه تعادل نش بازی آمریکا و اروپا بر حسب فضای انتشار کربن طبق هدف NDC و دودرجه کاهش دمای هوا، خروج آمریکا و اروپا، تعادل‌نش بازی آمریکا و اروپا بر حسب قیمت کربن، عدم خروج آمریکا و اروپا، همچنین تعادل‌نش بازی آمریکا و اروپا بر حسب اثرات کلان اقتصادی، عدم خروج آمریکا و اروپا است؛ چون در این نقطه هیچ‌یک از بازیکنان انگیزه تخطی ندارد. همچنین توکلی و زرشناس (۱۳۹۹) تغییرات اقلیمی؛ توافق، پاریس، آینده بررسی تغییرات اقلیمی و تاثیرات آن بر آینده جهان بیان کردند که تغییرات شدید اقلیمی سبب انقراض گونه‌ها، کاستن از تنوع زیستی و تاثیرات عمیق اجتماعی، اقتصادی در جهان و به طبع آن در ایران می‌شود. به طور کلی گرمایش جهانی موجب تأثیر قابل توجه بر کشاورزی، اقلیم، گردشگری و تنوع زیستی می‌شود. در ادامه نیز آجیلی و عسکری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان کنفرانس اقلیمی پاریس و تأثیر آن بر همکاری‌های سیاسی بین‌المللی بیان کردند که کنفرانس اقلیمی پاریس با شیوه‌ای متفاوت از دیگر کنفرانس‌ها، برگزار گردید. تفاوت این کنفرانس در نوع تعیین تعهدات کشورها بود. نتایج این کنفرانس نقطه‌ی عطفی در همکاری‌های بین‌المللی خواهد بود و می‌تواند به صورت الگویی برای حل سایر مسائل بین‌المللی در نظر گرفته شود. در مطالعات بین‌المللی نیز استرادا و بوتزن^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان اثرات اقتصادی و خطرات تغییرات آب و هوایی تحت شکست و موفقیت توافق پاریس بیان کردند که هزینه‌ها و ریسک‌های اقتصادی بسیار نابرابر بین کشورها و در داخل کشورها توزیع می‌شوند و زمانی که گرم شدن در نواحی شهری و تداوم موقت تأثیرات در نظر گرفته می‌شود، بزرگ‌تر از برآورد قبلی است. هزینه‌ها و خطرات را می‌توان با اجرای دقیق پروتکل‌ها به طور قابل توجهی محدود کرد، اما در صورت عدم رعایت گازهای گلخانه‌ای بزرگ، مانند ایالات متحده، به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. همچنین دسندی^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان مشارکت با سلامت در تعهدات ملی تغییر اقلیم تحت توافقنامه

۱- Estrada & Botzen

۲- Dasandi

پاریس: تجزیه و تحلیل روش‌های ترکیبی جهانی از مشارکت‌های تعیین شده ملی بیان کردند که کشورهایی که در مشارکت ملی خود به سلامت اشاره نمی‌کردند در کشورهای با درآمد بالا دسته‌بندی شدند، در حالی که مشارکت سلامت بیشتر در کشورهای با درآمد پایین و متوسط متمرکز بود. تنوع در مشارکت سلامت بیشتر از سایر مسائل مرتبط با آب و هوا بود و منعکس کننده تفاوت‌های گسترده‌تر در رویکرد کشورها به مشارکت‌های تعیین شده ملی بود. همچنین علی^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی راهبردهای تغییر اقلیم و پایداری پس از سرپیچی آمریکا از توافق پاریس بیان کردند که قدرت تأثیر و نگرش تصمیم‌گیرندگان بر ترجیحات آنها تأثیر می‌گذارد. این تأثیر بر ترجیحات پیامدهایی بر نتایج سناریوهای رژیم حاکمیت جهانی آب و هوا دارد. نتایج تحلیل‌های مبتنی بر قدرت و نگرش نشان می‌دهد که استراتژی‌های جمعی رژیم حاکمیت جهانی آب و هوا برای محافظت از آب و هوای طبیعی مشترک برای پایداری و توسعه زیست‌محیطی ضروری هستند. بررسی مطالعات بالا نشان می‌دهد که در زمینه حقوق بین‌الملل و توافقنامه‌های بین‌المللی مربوطه به مسائل زیست‌محیطی نظیر تغییرات اقلیم، گرمایش جهانی و آلودگی هوا به دلیل انگلیسی بودن متن توافقنامه‌ها جمع‌آوری مطالب به زبان فارسی بسی دشوار است، چرا که منابع موجود در این زمینه پراکنده می‌باشد و هر توافقنامه‌ای با توجه به محورهای مورد بررسی و مفاد آن، محیط‌زیست و مسائل آن را مورد توجه قرار داده است. اگر چه توافقنامه‌های بین‌المللی محیط‌زیست و در برخی موارد توافقنامه‌های اقلیمی موضوع مورد توجه نویسندگان و مؤلفان در زمینه‌های مختلفی است، این نویسندگان و مؤلفان کمتر به بررسی الزامات و تعهدات ناشی از این توافقنامه‌ها برای کشور و آثار و تبعات آن در قوانین زیست‌محیطی از دیدگاه حقوق داخلی ایران و حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند. در برخی موارد نیز منابع فارسی صرفاً به ذکر برخی موارد موردی و مسائل و مشکلات ناشی از آن می‌پردازند و یا آنکه بر حقوق بین‌المللی محیط‌زیست و چگونگی وضع این قوانین و توسعه پایدار تمرکز دارند. در واقع بسیاری از کتاب‌های فارسی موجود در زمینه محیط‌زیست و تغییر اقلیم، موضوع را از زاویه بررسی علل، عوامل و پیامدهای ناشی از آن مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند و به بررسی توافقنامه‌های بین‌المللی آب و هوایی نظیر توافقنامه پاریس و الزامات و تعهدات ناشی از آن در کشور و چگونگی حمایت بین‌المللی از آنها نمی‌پردازند که در این تحقیق تبیین عواقب انسانی تغییرات اقلیمی با تأکید بر ملاحظات حقوق بشری و کنوانسیون ۲۰۱۵ پاریس به صورت کاملاً تخصصی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. ماهیت حقوق بشری تعهدات کنوانسیون تغییرات آب و هوایی پاریس ۲۰۱۵

مفاد کنوانسیون تغییرات آب و هوایی پاریس ۲۰۱۵، ماهیت حقوق بشری نیز دارد. در واقع، عدم رعایت تعهدات مندرج در کنوانسیون منجر به نقض حق‌هایی می‌شود که در نظام بین‌الملل حقوق بشر مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

۲.۱. تغییرات آب و هوایی و اهداف توسعه هزاره

تغییرات اقلیمی، با آثار چشمگیر و زیان بخش بر محیط زیست، عناصر اساسی زندگی مردم سراسر جهان را تهدید می‌کند، به سلامت و محیط زیست آسیب می‌رساند و میزان دسترسی به آب، غذا و زمین را محدود

۱- Ali

می‌کند. این موضوع باعث خواهد شد کودکان در معرض خطر قحطی قرار گرفته و منابع آب مورد استفاده جهت شرب و مصارف بهداشتی کاهش یابد. در واقع، تغییرات اقلیمی باعث خواهد شد احتمال دستیابی به تمامی آرمان‌های توسعه هزاره کاهش یافته و از سرعت تلاش‌های انجام شده برای ریشه کنی فقر، بهبود سلامت و حفاظت از محیط زیست کاسته شود. نه تنها همه اهداف توسعه هزاره برای زندگی امروزه کودکان بسیار حائز اهمیت و مرتبط با آن بوده بلکه دستاورد آنها نیز برای جهانی که ما برای بزرگسالان فردا و نسل‌های آینده باقی می‌گذاریم نیز حیاتی است. بنابراین الزام به شرکت دادن کودکان و جوانان در تلاش برای رسیدن به اهداف توسعه هزاره کاملاً توجیه می‌شود (خدا، ۱۳۹۳: ۷۱). «در اروپا، کنوانسیون راجع به دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت در مسائل زیست محیطی (کنوانسیون Aarhus) به طور آشکار حقوق بشر و حقوق محیط زیست را به یکدیگر مرتبط می‌سازد، مفهوم عدالت میان نسلی^۱ را تحقق می‌بخشد و ثابت می‌کند که توسعه پایدار تنها از طریق مشارکت کلیه طرف‌ها قابل دسترسی است. براساس «سه رکن» کنوانسیون، مردم حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت را دارا می‌باشند. بنابراین این نه تنها یک موافقنامه زیست محیطی است بلکه یک کنوانسیون درباره پاسخگو بودن و مسئولیت دولت، که عناصر مهم رویکرد جهانی لازم برای واکنش اساسی به تأثیرات تغییرات اقلیمی بر کودکان می‌باشند، وجود دارد» (خوش رفتار، ۱۳۹۵: ۹۷). مقدمه بیان می‌کند که «هر شخص حق دارد در محیطی زندگی کند که برای سلامت و رفاه شخص و برای انجام وظیفه او (چه به صورت فردی و چه در رابطه با دیگران) نسبت به حمایت و ارتقاء محیط زیست برای بهره‌مندی نسل‌های حاضر و آینده مناسب باشد.» (خوش رفتار، ۱۳۹۵: ۹۷) نگارنده با ترسیم جدول زیر، ارتباط میان تغییرات اقلیمی و اهداف توسعه هزاره را نشان می‌دهد.

جدول ۱. اثرات بالقوه تغییر اقلیم بر روی اهداف توسعه هزاره

اهداف بیانیه جهانی توسعه هزاره	زنجیره‌های مرتبط با تغییر آب و هوا
هدف ۱: «ریشه کن کردن فقر و گرسنگی شدید»	<p>- پیش بینی می‌شود که تغییر اقلیم از طریق تغییر در امرار معاش مردم اثر بگذارد به عنوان مثال اثر روی سلامتی، دسترسی به آب و مسکن و کلیه زیرساخت‌های لازم</p> <p>- انتظار می‌رود با تغییر در رشد اقتصادی از طریق تغییر در منابع طبیعی و تولیدات موجب کاهش رشد اقتصادی که بطور مستقیم بر روی درآمد افراد اثر می‌گذارد گردد.</p> <p>- انتظار می‌رود با تغییر بر روی امنیت غذایی باعث بدتر شدن این مسئله به ویژه در آفریقا گردد.</p>

۱- Intergenerational Justice.

<p>به حلقه‌های مربوط به تغییر اقلیم کمتر مرتبط است ولیکن می‌تواند به طور غیر مستقیم از روی تأثیر بروری امرار معاش مردم فرصتهای آموزش و پرورش را به دلیل مهاجرت‌های اجباری و نداشتن وقت از دست بدهند.</p> <p>- انتظار می‌رود تغییر اقلیم موجب تشدید نابرابری جنسی گردد، تخلیه منابع طبیعی و کاهش تولیدات کشاورزی ممکن است که باعث فشار بر سلامت زنان و کاهش مدت زمان در دسترس بودن آنها برای مشارکت در تصمیم‌گیری گردد.</p>	<p>هدف ۲: «دستیابی به تحصیلات ابتدایی»</p>
<p>- حواث غیر مترقبه مربوط به تغییر اقلیم می‌تواند بیشترین تأثیر را بر زنان خانه دار به ویژه آنها که دارایی کمتری دارند بگذارد.</p>	<p>هدف ۳: «ترفیع کیفیت جنسیت و نیرومند ساختن زنان»</p>
<p>- اثرات مستقیم تغییر اقلیم از طریق مرگ و میر ناشی از گرما و بیماریهای ناشی از امواج گرمایی</p> <p>- تغییرات آب و هوایی ممکن است باعث افزایش شیوع برخی از بیماریها مثال مالاریا و تب دانگ و نیز از طریق آسیب پذیری به آب، غذا موجب بیماریهایی مثال وبا و اسهال خونی گردد.</p> <p>- کودکان و زنان باردار مستعدتر به بیماریها واگیردار و منتقله از آب می‌باشند. ۱/۴ علت مرگ و میر مادران مالاریا است.</p> <p>- تغییر اقلیم به دلیل تأثیر بر کاهش کمیت و کیفیت آب آشامیدنی، که شرط لازم برای سلامت است و نیز تشدید سوء تغذیه منبع مهم بیماری در میان کودکان است. همچنین از طریق کاهش بهره وری از منابع طبیعی موجب تهدید امنیت غذایی، به ویژه در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا است.</p>	<p>اهداف ۴، ۵، ۶ اهداف مربوط به سلامت: ۱- مبارزه با بیماریهای مهم ۲- کاهش مرگ و میر کودکان ۳- بهبود سلامت مادران</p>
<p>- تغییر اقلیم کیفیت و بازدهی از منابع طبیعی را تغییر می‌دهد و موجب خسارات برگشت ناپذیر به اکوسیستم‌ها می‌گردد.</p> <p>- همچنین موجب کاهش تنوع زیستی و بدتر شدن و نابودی محیط زیست می‌گردد.</p>	<p>هدف ۷ «تضمین توسعه پایدار»</p>
<p>- تغییر آب و هوا یک نگرانی و دغدغه جهانی است و نیازمند همکاری</p>	<p>مشارکت‌های</p>

۲.۲. تغییرات اقلیمی و حق حیات

«حق حیات بنیادین ترین حق انسانی است. دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر حق حیات است. حق حیات عبارت است از اینکه انسان حق بنیادی برای زندگی کردن دارد. از آنجایی که حقوق بشر منوط به زنده بودن بشر است، حق زندگی بر حقوق دیگر اولویت دارد؛ زیرا بدون حیات، دیگر حقوق، ارزش یا کاربرد ندارد. حق حیات در حالت‌های مختلفی ممکن است مورد مخاطره قرار گیرد. عدم حمایت دولت از افراد و یا گروه‌های در معرض تهدید و آسیب‌پذیر، جلوه‌ای از نقض حق حیات است» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰). در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه آمریکایی حقوق بشر به طور صریح حق حیات ذکر شده است. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ۱۹۶۹) و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل (ماده ۴، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم)، نیز بر احترام به این حق تأکید کرده‌اند. حق حیات به روشنی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۶) و کنوانسیون حقوق کودک (ماده ۶) مورد حمایت قرار گرفته است. کنوانسیون حقوق کودک به طور شفاف حق حیات را به تعهد دولت‌ها «به کسب اطمینان تا بالاترین حد ممکن از زنده ماندن و رشد کودک» مرتبط می‌کند (بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک).

برخی از تأثیرات مشاهده شده و پیش‌بینی شده تغییرات اقلیمی، تهدیدات مستقیم و غیر مستقیمی بر حیات بشر می‌باشند. «چهارمین گزارش ارزیابی هیات بین دولتی تغییرات اقلیمی، افزایش رویارویی انسان‌ها با مرگ، بیماری و جراحت ناشی از امواج گرما، سیل، طوفان، آتش‌سوزی و خشکسالی را با اطمینان بالا پیش‌بینی می‌کند. همچنین، تغییرات اقلیمی حق حیات را از طریق افزایش گرسنگی، سوء تغذیه و بیماری‌های مرتبط که بر رشد و پرورش کودک، مرگ و میر و بیماری‌های قلبی- تنفسی مربوط به کاهش سطح ازن مؤثر است، تحت تأثیر قرار می‌دهد» (گزارش ارزیابی آی.پی.سی.سی.سی. ۴).

«تغییرات اقلیمی فجایع مرتبط با آب و هوا را که هم‌اکنون مردم و برخوردارانی آن‌ها از حق حیات را به ویژه در جهان در حال توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد، تشدید می‌کند. به عنوان مثال، از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴، حدود ۲۶۲ میلیون انسان به طور سالانه تحت تأثیر فجایع اقلیمی قرار گرفته‌اند که بیش از ۹۸٪ آن‌ها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند (برنامه توسعه سازمان ملل متحد، گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۸/۲۰۰۷، مبارزه با تغییرات اقلیمی: همبستگی انسانی در جهان تقسیم شده). رویدادهای چرخه باد گرمسیری که زندگی حدود ۱۲۰ میلیون انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب مرگ حدود ۲۵۰۰۰۰ نفر از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ شده است» (گزارش ارزیابی آی.پی.سی.سی.سی. ۴ و گزارش گروه کاری ۲: ۳۱۷).

حفاظت از حق حیات به طور کلی و در رابطه با تغییرات اقلیمی، با اقدامات برای تحقق سایر حقوق، از جمله حق نسبت به غذا، آب، سلامت، و مسکن ارتباط نزدیک دارد.

۲.۳. تغییرات آب و هوایی ایجادکننده مخاصمات مسلحانه

«اثرات منفی امنیتی آینده تغییرات آب و هوا بیشتر بر روی مناطقی است که امروزه خود میزبان جنگ‌های مسلحانه هستند مانند بخش شرقی و مرکزی آفریقا، خاورمیانه و مرکز و شرق آسیا. در سال ۱۹۷۰ گردباد نابود کننده‌ای بنگلادش را که در آن زمان از حیث نظامی و سیاسی تحت سیطره بخش غربی پاکستان بود، درنوردید، در این میان کمک‌های ناچیز و بی‌اعتنایی آشکار رهبران پاکستان، به تشکیل جنبش جدایی طلب بنگلادش سرعت بخشید و باعث جنگ و درگیری، سپس استقلال بنگلادش از پاکستان در سال ۱۹۷۱ گردید. از سویی دیگر براساس گزارش برنامه محیط زیست ملل متحد در سال ۲۰۰۷ یکی از مهمترین دلایل برخوردها و تنش‌های دارفور، فرسایش خاک و بیابان‌زایی بوده است، زیرا بارش باران در این ناحیه ۳۰ درصد کاهش یافته و باعث خشکی میلیون‌ها هکتار زمین گردیده است» (خوش منش، ۱۳۹۴: ۲۲۵). هر یک از عوامل یاد شده، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌روند، اما به نظر می‌رسد نوع و شدت درگیریها در مناطق مختلف یکسان نیست. «پیش‌بینی می‌شود به دلیل بعضی عوامل فرهنگی، تاریخی و اقلیمی، کشورهای منطقه خاورمیانه، آفریقا و آسیا، در مقایسه با کشورهای واقع در قطب شمال، تضادها و درگیریها را با شدت و وسعت بیشتری تجربه خواهند کرد؛ زیرا پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان در این مناطق قرار دارند و همواره شکاف میان تقاضا و منابع، عامل مهمی در بروز نارضایتی و تنش در این مناطق بوده است. همچنین مرزهای ساختگی‌ای که استعمارگران اروپایی در دوران استعمار و در راستای اهداف خود بر کشورهای آسیایی و آفریقایی تحمیل کرده‌اند، همواره منشأ درگیری بوده است. عامل مشکل‌ساز دیگر، اقلیم ویژه این مناطق است که اغلب بیابانی و گرمسیری است. مناطق بیابانی و گرمسیری برای تغذیه جمعیت خود به آبیاری نیاز دارند، در حالی که اغلب با کمبود آب مواجه‌اند. همچنین ساکنان این مناطق برای امرار معاش خود، چاره‌ای جز قطع درختان و استفاده مستقیم از طبیعت ندارند و این مسئله در بلندمدت موجب ایجاد معضل‌های بزرگتر و پایدارتری مانند بیابان‌زایی می‌شود که در تسریع روند تغییرات آب و هوایی نقش مهمی را ایفا می‌کند» (ظهوری زنگنه، ۱۳۹۲: ۹۳).

۲.۴. تغییرات آب و هوایی تهدید کننده منابع آب و غذا

یکی از اصلی‌ترین عواقب گرم شدن کره زمین کاهش تولید کشاورزی و به تبع آن، افزایش رقابت بر سر غله است. «به طوری که به ازاء افزایش هر یک درجه حرارت در فصل رشد باروری برنج ۱۰ درصد کاهش می‌یابد. در سال ۲۰۰۲ گرمای بی سابقه و خشکسالی همراه با آن محصول غله هند، ایالات متحده و کانادا را به شدت کاهش داد و در اثر آن تولید غله جهان ۸۹ میلیون تن کمتر از مصرف آن شد» (لستر براون، ۱۳۸۵: ۴۴). «در سال ۲۰۰۶ افزایش درجه حرارت و در پی آن افزایش آفات نباتی موجب نابودی محصولات کشاورزی در استرالیا، اوکراین، آرژانتین و آمریکای شمالی شد و باعث شد که قیمت غلات به اندازه ده سال رشد کند» (پاسکال^۱، ۲۰۰۷: ۷۷) بررسی‌ها نشان داده «افزایش ۲-۳/۵ درجه سلسیوس دما در هند می‌تواند منجر به کاهش ۹ تا ۲۵ درصد در آمد زمین‌های استیجاری کشاورزی شود. همچنین به ازای هر درجه سلسیوس افزایش دما میزان تولید برنج در منطقه آفریقا ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کند» (ونتون^۲، ۲۰۰۷: ۸۷).

۱- Paskal
۲- Venton

۱) غذا: بدیهی است تغییرات آب و هوایی تأثیری منفی بر منابع غذایی بر جای خواهد گذاشت. مرگ و میر آبزیان به دلیل شور و آلوده شدن آبها یا حوادثی مانند سونامی، کاهش چشمگیر غلات و سبزیجات و نیز خسارت در بخش دامداری و صنایع گوشتی به دلیل نوسانهای بارندگی، بیابان زایی و آتش سوزی، امنیت جهانی غذا را با بحران رو به رو می‌سازد. این مسئله، هنگامی که با رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای غذا همراه شود، وضعیت را بحرانی‌تر می‌کند. کمبود منابع غذایی، همگام با رشد سریع جمعیت، ضمن ایجاد تضادی «مالتوسی» به افزایش ناگهانی و شدید قیمت محصولات اساسی منجر می‌شود و آشوبهای سیاسی و اقتصادی را رقم می‌زند. در حالی که مطابق گزارشها، «حق داشتن غذای کافی، به معنای دسترسی نامحدود، منظم و دائمی، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با دارا بودن قدرت خرید، از حقوق تفکیک ناپذیر بشری است» (ظهوری زنگنه، ۱۳۹۲: ۹۵). حق بر غذا به عنوان حق بنیادین هر شخص، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذا با کیفیت و کمیتی است که پاسخگوی نیازهای غذایی و فرهنگی او باشد. «تحقق این حق با برآوردن نیازهای اولیه و اساسی انسان، زمینه تحقق سایر حقوق بشری شخص را فراهم می‌کند و از این جهت با کرامت انسانی مرتبط است» (ابراهیم گل، ۱۳۸۷: ۲۲۱). حق نسبت به غذا مستلزم سطح و نوعی از غذاست که سازگار با شرافت انسانی باشد. «کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق نسبت به غذا را به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با کرامت انسانی مرتبط می‌داند که برای استیفای سایر حقوق مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر ضروری است. (بند (۴) تفسیر کلی شماره ۱۲)» (حق بر غذای کافی، نظر عمومی شماره ۱۲ (جلسه بیستم ۱۹۹۹) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بند ۴).

نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق نسبت به غذا اشاره شد. (ماده ۲۵) حق نسبت به غذا، به روشنی در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۱)، کنوانسیون حقوق کودک (ماده (C) ۲۴) و کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت^۱ (ماده (F) ۲۵ و بند ۱ ماده ۲۸) بیان شده و در مواد کلی راجع به استانداردهای کافی زندگی در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (بند (h) ۲ ماده ۱۴) و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی^۲ (ماده (e) ۵) به طور ضمنی بیان شده است. به علاوه، در اعلامیه امریکایی حقوق و تعهدات فرد (ماده ۱۱)، منشور سازمان دولت‌های آمریکایی (ماده ۳۴)، پروتکل سن سالوادور کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (ماده (۱) ۱۲)، کنوانسیون ژنو راجع به رفتار با اسیران جنگی (ماده-های ۲۶ و ۵۱)، کنوانسیون ژنو راجع به حمایت از غیرنظامیان در زمان مداخلات، (ماده‌های ۲۳ و ۵۵)، نیز به این حق اشاره شده است. «در اثر تغییرات اقلیمی، پیش‌بینی می‌شود در ابتدا با افزایش میانگین دمای جهانی بین ۱ تا ۳ درجه سانتی‌گراد، در عرض‌های جغرافیایی وسط تا بالا پتانسیل تولیدات غذا افزایش یابد. اما در عرض‌های جغرافیایی پایین‌تر، پیش‌بینی می‌شود تولید محصولات کشاورزی کاهش یابد که خطر گرسنگی و عدم امنیت غذایی را در مناطق فقیرتر جهان افزایش می‌دهد» (گزارش ارزیابی آی.پی.سی.سی، ۲۰۰۶: ۲۷۵). «براساس یک تخمین، ۶۰۰ میلیون انسان دیگر با سوء تغذیه ناشی از تغییرات اقلیمی روبرو هستند (گزارش توسعه یوندد، ۲۰۰۶: ۲۷۵)، و به ویژه در منطقه جنوب صحرای آفریقا تأثیرات منفی دارد»

۱- Convention on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD).

۲- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD).

(گزارش ارزیابی آی.پی.سی.سی، گرو کاری ۲: ۲۷۵). به ویژه مردم فقیر که در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند «به دلیل وابستگی نامتناسب آن‌ها به منابع حساس نسبت به اقلیم برای غذا و امرار معاش خود آسیب‌پذیرتر هستند». به علاوه، بر اساس گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر راجع به حق نسبت به غذا، «نیمی از مردم گرسنه جهان... برای زنده ماندن خود به زمین‌هایی وابسته هستند که ذاتاً فقیر هستند و ممکن است تحت تأثیر خشکسالی‌هایی مکرر، تغییرات اقلیمی و استفاده ناپایدار از زمین، کم حاصل‌تر و نابارورتر شوند» (بابایی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۴). گزارشگر ویژه راجع به حق نسبت به غذا، اثبات کرده است که «رویدادهای شدید اقلیمی چگونه امنیت غذایی و زندگی‌ها را به‌طور فزاینده‌ای تهدید می‌کند» (بابایی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۴). در پاسخ به این تهدید، «تحقق و درک حق نسبت به غذا نیازمند آن است که به گروه‌های آسیب‌پذیر و خسارت‌دیده، شامل افرادی که در مناطقی که در معرض بلایا زندگی می‌کنند و مردم بومی که زندگی آن‌ها مورد تهدید است توجه کافی شود» (بابایی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۴).

۲) آب: «تلاش برای دستیابی به آب، به درگیری و جنگهای مسلحانه در مناطق بی‌ثبات کمک می‌کند؛ حکومت‌های شمال آفریقا مثل مراکش، الجزیره، تونس و لیبی با خطر سقوط مواجه می‌شوند؛ در خاورمیانه، روند رو به رشد جمعیت از یک سو و ذخایر آب در حال تحلیل از سوی دیگر، دشمنی‌های دیرینه را در سراسر این منطقه تشدید می‌کند؛ تلاش‌ها برای ایجاد توافق‌های صلح اسرائیل- فلسطین به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌شود و حتی احتمال جنگ میان اسرائیل و اردن قابل تصور است؛ عراق، سوریه و ترکیه درگیر نزاعی شدید بر سر کنترل رودخانه-های دجله و فرات می‌شوند. در کشورهای حاشیه خلیج فارس، شاهد توسعه سریع توان هسته‌ای برای نمک زدایی کردن آب دریا خواهیم بود و همین امر زمینه را برای افزایش کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای در منطقه فراهم می‌کند» (گلیک، ۱۹۸۹: ۴۴). در حقیقت، «همانطور که شاه حسین، پادشاه اردن در پایان دهه ۱۹۹۰ هشدار داد: «آب ممکن است ملتهای منطقه را به جنگ با یکدیگر سوق دهد». همچنین در آسیا، تمام رودخانه‌هایی که از هیمالیا و فالت تبت سرچشمه می‌گیرند (سند، گنگ، برهماپوترا، سلاوین، مکونگ و یانگتس) در آغاز به دلیل ذوب یخ رودها و پوشش برفی سطح زمین و اقیانوس‌ها، برای دهه‌های متمادی طغیان خواهند کرد و سپس به دلیل اتمام این سطوح یخی و برفی، به ویژه در تابستان، به شدت رو به تحلیل می‌روند. این مسئله به منازعه‌های گسترده بر سر آب در شبه قاره هند منجر می‌شود و هند و پاکستان مجهز به سلاح هسته‌ای را بر سر رودخانه سند، مقابل هم قرار می‌دهد» (هالدن^۱، ۲۰۰۷: ۸۱). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی حق نسبت به آب را به عنوان «حق همه افراد نسبت به آب کافی، سالم، قابل قبول، قابل دسترسی و در استطاعت افراد برای استفاده‌های شخصی و خانگی، مانند آشامیدن، تهیه غذا و نظافت شخصی و خانگی تعریف می‌کند» (نظر عمومی شماره ۱۵ (۲۰۰۲) در مورد حق بر آب (مواد ۱۱ و ۱۲)، بند ۲). در حالی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به روشنی بیان نشده است، این حق از ماده ۱۱ (حداقل استاندارد زندگی) و ماده ۱۲ (سلامت) برداشت می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک (بند (c) ماده ۲۴)، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (بند (h) ماده ۲) و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (بند (a) ماده ۲۸) به روشنی به دسترسی به

۱- Halden

خدمات مربوط به آب در مواد راجع به «آب آشامیدنی سالم» به عنوان بخشی از اقداماتی که دولت‌ها باید برای مقابله با بیماری و سوء تغذیه اتخاذ کنند اشاره می‌کند. «پیش‌بینی می‌شود فقدان یخ‌رودها و کاهش پوشش برف موجب افزایش و ایجاد تأثیر منفی بر میزان دسترسی به آب برای بیش از یک ششم جمعیت جهان شود که از آب ذوب شده از رشته‌کوه‌ها تأمین می‌شوند. رویدادهای آب و هوایی، مانند سیل و خشکسالی، نیز بر منابع آب تأثیر می‌گذارند» (گزارش ارزیابی آی.پی.سی.سی.سی، ۴۹-۴۸). بنابراین «تغییرات اقلیمی فشار موجود بر منابع آب را تشدید می‌کند و مشکل دسترسی به آب آشامیدنی سالم که هم اکنون حدود ۱٫۱ میلیارد نفر در جهان از آن محروم هستند و یک دلیل اصلی مرگ و میر و بیماری است را پیچیده‌تر می‌کند» (شیروی، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۸). تغییرات اقلیمی با برخی از دلایل دیگر استرس و مسائل آب مانند افزایش جمعیت، تخریب محیط زیست، مدیریت ضعیف آب، فقر و نابرابری تأثیر متقابل دارد. براساس گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه ملل متحد در سال ۲۰۰۶، عوامل ریشه‌ای بحران کنونی آب بیشتر در مدیریت ضعیف آب، فقر و نابرابری است تا در کمبود منابع آب (شیروی، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۸). مطالعات مختلف اثبات می‌کند که «تأثیر منفی تغییرات اقلیمی بر منابع آب و برخورداری مؤثر از حق نسبت به آب می‌تواند از طریق پذیرش سیاست‌ها و اقدامات مناسب کاهش یابد» (شیروی، ۱۳۹۰: ۷۹-۷۸). تغییرات اقلیمی باعث می‌شود الگوهای بارش باران و رطوبت خاک تغییر کند که موجب بروز خشکسالی‌های گسترده‌تر و ذوب شدن یخچال‌های طبیعی می‌شود و فجایع مرتبط با آب مانند سیل و خشکسالی شده که به سهم خود اثرات منفی بر تولیدات کشاورزی می‌گذارند و در نهایت، میزان تولید و عرضه منابع مورد نیاز جهان را کم می‌کند. در این گزارش سازمان ملل متحد اضافه شده است که آسیا محل زندگی ۶۰ درصد از جمعیت دنیا است، ولی فقط حدود یک سوم منابع آب جهان را دارد. براساس برآورد این گزارش تا ۲۰۷۰ موارد مذکور ۴۴ میلیون انسان در جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (مورگان، ۱۳۹۱: ۲۹).

۲.۵. تأثیر تغییرات آب و هوایی بر گسترش فقر

تغییرات آب و هوایی بر گسترش فقر نیز آثار قابل توجهی دارد. «وضعیت دارفور در سودان نمونه غیر قابل انکار از تنازع بقا و فقر توان‌فرسایی است که به دلیل خشکسالی فاجعه آمیز دهه ۸۰ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. به نظر می‌رسد تغییرات بلند مدت اقلیم نه تنها به ریزش باران کم‌تر در سودان بلکه در بخش اعظم آفریقا به ویژه در جنوب ناحیه صحرای آفریقا منجر شده است، جایی که زندگی به باران بستگی دارد و خشکسالی به معنای مرگ است. توفان میچ که یکی از قوی‌ترین توفان‌های تاریخ اقیانوس اطلس است، در سال ۱۹۹۸ روی داد. سرعت این توفان ۳۶۰ کیلومتر در ساعت بود و باعث شد که ظرف دو تا سه روز، در نیکاراگوئه و هندوراس دو متر باران ببارد. در اثر آن غیر از خانه، مدرسه، کارخانه، جاده، پل و غیره، ۷۰ درصد خاک حاصلخیز هندوراس از بین رفت» (باکلی، ۱۳۹۶: ۸۸).

۲.۶. تأثیر تغییرات آب و هوایی بر مهاجرت‌های درون و برون مرزی

حق نسبت به مسکن و جای کافی برای زندگی در چند سند از مهم‌ترین اسناد حقوق بین‌الملل بشر و از همه جامع‌تر در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۱)، به عنوان یک جزء از حق نسبت به حداقل استاندارد زندگی ارجح نهاده شده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۲۵)، کنوانسیون بین-

المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (ماده (۳) (ی) ۵)، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (بند ۲ ماده ۱۴)، کنوانسیون حقوق کودک (بند ۳ ماده ۲۷)، کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و اعضای خانواده‌های آن‌ها (بند (د) ۱ ماده ۴۳)، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (بند (الف) ۱ ماده ۹ و بند (ب) ۲ و ۱ ماده ۲۸). «حق نسبت به مسکن کافی به عنوان «حق نسبت زندگی در جایی در امنیت، صلح و احترام» تعریف شده است» (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تبصره عمومی شماره ۱۲، بند ۶). اجزای مهم این حق شامل «امنیت استخدام (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظر عمومی شماره ۷ (۱۹۹۷) در مورد حق برخورداری از مسکن مناسب (ماده ۱۱ (۱) میثاق))، حمایت در برابر اخراج اجباری، دسترسی به خدمات، وسایل، تسهیلات و زیرساخت‌ها، قابل استطاعت بودن، قابل سکونت بودن، در دسترس بودن و مناسب بودن از نظر مکان و فرهنگ است» (کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تبصره عمومی شماره ۱۲، بند ۸).

«تغییرات اقلیمی مشاهده شده و پیش‌بینی شده حق نسبت به مسکن کافی را از چند طریق تحت تأثیر قرار می‌دهد. طوفان و افزایش سطح دریا تأثیر مستقیم بر بسیاری از سکونت‌گاه‌های ساحلی خواهد داشت» (برادن و شلی، ۱۳۹۳: ۷۹). «در منطقه قطب و دولت‌های جزیره‌ای واقع شده در ارتفاع کم چنین تأثیراتی هم اکنون موجب جابه‌جایی مردم و جوامع شده است». همان‌طور که در سال‌های اخیر، میلیون‌ها انسان و خانه تحت تأثیر سیل بوده‌اند، سکونت‌گاه‌های قرار گرفته در دلتاهای بزرگ کم ارتفاع نیز به‌طور ویژه در معرض خطر می‌باشند (تقدیسیان و میناپور، ۱۳۸۲: ۷۹). «نابودی معیشت‌ها، که بخشی از آن ناشی از تغییرات اقلیمی است، یک عامل اصلی اجبار برای افزایش مهاجرت شهری و روستایی است. بسیاری از افراد به مناطق زاغه-نشینی شهری و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی مهاجرت کرده‌اند که اغلب مجبور می‌باشند در آنجا پناهگاه‌هایی در مناطق پر مخاطره بسازند» (خدا، ۱۳۹۳: ۷۹). «امروزه یک میلیارد نفر در مناطق زاغه‌نشینی شهری در دامنه تپه‌های سست یا سواحل رودخانه‌ای در معرض سیل زندگی می‌کنند و با آسیب‌پذیری نسبت به رویدادهای اقلیمی شدید رو به رو هستند» (پورهایمی و پرند، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۲). براساس اصول راهبردی راجع به آوارگی داخلی، «کشورهای دارای صلاحیت‌دار باید، صرف نظر از شرایط و بدون تبعیض، حداقل برای افراد آواره داخلی پناهگاه اولیه و مسکن با دسترسی ایمن به آن فراهم کنند و آن را تضمین کنند.» (اصل ۱۸)

«فاجعه بارترین اثر گرمایش جهانی مهاجرت است. تعداد افراد تحت تأثیر بلایای طبیعی به طور غیر منتظره-ای زیاد شده است و به طور متوسط به ۲۳۱ میلیون نفر در سال رسیده که ۹۸ درصد آن‌ها تحت تأثیر بلایای مربوط به تغییر اقلیم هستند. در سال ۲۰۰۸ تعداد تعداد ۴۲ میلیون نفر در اثر جنگ‌ها و درگیری‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی مبادرت به مهاجرت و جابجایی کردند. انجمن نجات نروژ اخیراً نشان داده است که تنها در سال ۲۰۰۸، تعداد ۲۰ میلیون نفر به دلیل فجایع طبیعی ناگهانی ناشی از تغییر آب و هوا مهاجرت کرده‌اند. براساس آمار دیگر، در سال ۱۹۹۵ تعداد ۲۵ میلیون نفر مهاجر زیست محیطی در جهان وجود داشته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ آمار مهاجرین زیست محیطی در جهان به ۲۵۰ میلیون نفر برسد، یعنی در مدت زمانی حدود نیم قرن تعداد مهاجرین ۱۰ برابر خواهد شد» (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۲۲۶). مردم زیان‌دیده از

این تغییرها، با مهاجرت به تغییرات آب و هوایی واکنش نشان می‌دهند. پیش بینی می‌شود با گرم شدن مداوم زمین و در نتیجه، افزایش و شدت بلایای طبیعی ناشی از آن، هر سال به تعداد این مهاجرتها افزوده شود. مطابق پیش بینی مجله استرن تا اواسط قرن حاضر، ۲۰۰ میلیون نفر بر اثر بلایایی چون بالا آمدن سطح آبها، سیلاب‌های شدید و خشکسالی‌ها، بی‌خانمان و مجبور به مهاجرت از سکونت‌گاههای خویش می‌شوند.

«تغییرات آب و هوایی به طور مستقیم افراد را به ترک مناطقی مجبور کنند که در اثر تغییرات ناگهانی جوی مانند سیل، زلزله، توفان و... غیرقابل سکونت شده‌اند یا در بلندمدت به دلیل تغییراتی مانند بیابان‌زایی موجب کاهش استانداردهای زندگی می‌شوند. همچنین این تغییرها به طور غیرمستقیم زمینه را برای مهاجرت مهیا می‌کنند؛ یعنی رقابت بر سر منابع کمیاب، ابتدا به نارضایتی و درگیری در کشور یا منطقه آسیب دیده منجر می‌شود و سپس هنگامی که نارضایان خود را از ماندن در این کشور یا منطقه ناتوان ببینند، برای مهاجرت، به ویژه مهاجرت به کشورهای همسایه، تصمیم می‌گیرند» (گلدیتسچ و همکاران، ۲۰۰۷: ۴) با این حال، هر دو نوع این مهاجرت‌ها ممکن است تنشها و درگیریهایی را در مناطق مهاجرپذیر ایجاد کنند، هرچند هر دو، تبعات و نتایج یکسانی در مناطق مهاجرپذیر به دنبال ندارند. «مهاجرت‌هایی که به طور مستقیم و فقط به دلیل آسیب‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی رخ می‌دهند، بدون اصطکاک و تنش نیستند، اما عموماً به درگیریهای شدید و سازماندهی شده منجر نمی‌شوند. هر سال تعداد زیادی مهاجر به دلیل شرایط نامساعد جوی، سکونتگاه خود را ترک می‌کنند و به امید یافتن شغل و موقعیتی بهتر راهی کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی می‌شوند» (گلدیتسچ و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۶۲).

در مقابل، مهاجران مناطق درگیر خشونت، پتانسیل بیشتری برای ورود به فعالیتهای نظامی و خشونت‌آمیز علیه کشور مبدأ یا مقصد دارند. با وجود این، عملکرد دولتها در این زمینه بسیار تعیین کننده است. در موارد متعددی مشاهده شده است که «دولتها، به ویژه دولتهای مقصد، نقش مؤثری را در زمینه روند تبدیل تغییرات آب و هوایی به مهاجرت و تضاد ایفا کرده‌اند. آنها می‌توانند با اسکان مهاجران و تطبیق دادن آنها با شرایط تازه، مانع شکل‌گیری درگیری‌های نظام‌مند در کشور خود شوند؛ برای مثال، توفان‌های «میتچ» و «کاترینا» و نیز «سونامی اقیانوس هند» به کوچ هزاران نفر منجر شد، اما در مناطق میزبان هیچ خشونت سازماندهی شده و گسترده‌ای را به دنبال نداشت» (گلدیتسچ و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۶۲). «نقش مؤثر دولتهای مقصد در تقویت خشونت مهاجران بر ضد دیگر گروههای اجتماعی و پرورش تضاد، در خشونت میان قبایل چیتاگونگ (بنگلادش) در دهه ۱۹۸۰، دره رود سنگال (مالی و موریتانی) در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ و در آسام (هندوستان) در دهه ۱۹۸۰ به خوبی دیده می‌شود» (سولومون^۱ و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۷۰۴). در این موارد، از مهاجران به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف و اعمال سیاستهای اقتصادی و قومیتی دولت مقصد استفاده می‌شود و دولت به امید اینکه در درگیریهای احتمالی آتی بتواند از این مهاجران در جبهه خود بهره‌بردار، از آنان حمایت‌های گسترده‌ای می‌کند. موج مهاجرت، به تیرگی روابط میان دولتهای مبدأ و مقصد منجر می‌شود. «کشورهای مقصد به پناه دادن به فراریان و حمایت از آنان و کشورهای مبدأ به کوچ دادن فراریان به کشورهای همسایه متهم می‌شوند. درگیری میان گروههای مهاجر با دولت خود ممکن است به

جنگ میان دولت‌های مهاجرفرست و مهاجرپذیر منتهی شود؛ برای مثال، پس از آنکه فراریان هوتو از رواندا، در کنگو به تسلیح و سازماندهی خود علیه دولستان اقدام کردند، رواندا با جمهوری دموکراتیک کنگو درگیر جنگ شد» (گلدیتسچ^۱ و همکاران، ۲۰۰۶: ۶). با این حال در اغلب موارد، ورود مهاجران (به ویژه هنگامی که مهاجرت در سطح وسیع اتفاق افتد) به دلیل رقابت برای دستیابی به موقعیت اجتماعی بهتر و به سبب ایجاد رخنه در یکپارچگی قومیتی، موجب بروز نارضایتی و نگرانی‌هایی در میان مهاجران و ساکنان اصلی سرزمین می‌شود.

۷.۲. تغییرات اقلیمی و حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت یک اصل اساسی حقوق بین‌الملل است. بند ۱ ماده ۱ مشترک میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بیان می‌کند که «کلیه مردم دارای حق تعیین سرنوشت هستند» که به موجب آن «آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین می‌کنند و آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را دنبال می‌کنند». حق تعیین سرنوشت در منشور ملل متحد (مواد ۱ و ۵۵) ارج نهاده شده است (دسونی، ۱۳۹۶: ۹۶). «عده‌ای معتقدند که حق تعیین سرنوشت با به اجرا در آمدن این دو میثاق در سال ۱۹۷۶، اثر حقوقی الزام‌آور به خود گرفته است. این حق هم‌چنین در اعلامیه حق توسعه^۲ (بند ۲ ماده ۱) و اعلامیه ملل متحد راجع به حقوق مردمان بومی^۳ (ماده‌های ۳ و ۴) نیز آورده شده است. قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی با عنوان «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه ملت‌ها»، اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها را به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل تعریف کرده است» (ظهوری زنگنه، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

جنبه‌های مهم حق تعیین سرنوشت شامل حق یک ملت مبنی بر محروم نشدن از شیوه‌های موجودیت و ادامه حیات خودشان و تعهد یک دولت به ارتقاء تحقق حق تعیین سرنوشت، شامل افرادی که خارج از سرزمین آن زندگی می‌کنند، می‌باشد (کمیته حقوق بشر، نظر عمومی شماره ۱۲ (۱۹۸۴) در مورد ماده ۱ (حق تعیین سرنوشت)، بند ۶). در حالی که حق تعیین سرنوشت یک حق جمعی است که بیشتر توسط مردم (ملت) پیگیری و دنبال می‌شود تا افراد، تحقق آن یک شرط اساسی و ضروری برای برخورداری مؤثر از حقوق بشر افراد است. «افزایش سطح دریا و رویدادهای شدید آب و هوایی ناشی از تغییرات اقلیمی، قابلیت سکونت، و دراز مدت، موجودیت سرزمینی تعدادی از کشورهای جزیره‌ای واقع شده در ارتفاع کم را تهدید می‌کند. هم‌چنین، تغییرات اقلیمی، تهدیدی برای محروم کردن مردم بومی از سرزمین‌های سنتی‌شان و منابع امرار معاش آنها است. هر یک از این تاثیرات، بر حق تعیین سرنوشت تاثیراتی دارد». زیر آب رفتن و ناپدید شدن کشورهای جزیره‌ای کوچک تاثیراتی بر حق تعیین سرنوشت، و نیز برای همه انواع حقوق بشر که افراد برای آنها وابسته به دولت برای حمایت هستند، دارد. «ناپدید شدن یک دولت به دلایل مرتبط با تغییرات اقلیمی، موجب افزایش انواع تقاضاهای قانونی، شامل در نظر گرفتن وضعیت مردمی که در چنین سرزمین‌های در حال ناپدید شدن زندگی می‌کنند و حمایت داده شده به آنها تحت حقوق بین‌الملل می‌شود. در حالی که

۱- Gleditsch

۲- Declaration on the Right to Development.

۳- United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples.

موارد و رویه‌های قبلی برای دنبال کردن وجود ندارد، واضح و روشن است که تاکنون که تغییرات اقلیمی تهدیدی بر حق مردم نسبت به تعیین سرنوشت تحمیل می‌کند، دولت‌ها وظیفه دارند اقدامات مثبتی، به صورت انفرادی و مشترک، برای توجه و جلوگیری از این تهدید اتخاذ کنند. هم‌چنین دولت‌ها تعهد به اتخاذ اقداماتی برای جلوگیری از تأثیرات تغییرات اقلیمی که هویت فرهنگی و اجتماعی مردم بومی را تهدید می‌کند دارند» (خوش‌منش، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

۲.۸. تغییرات اقلیمی و حقوق مردمان بومی

بر اساس اعلامیه ۲۰۰۷ راجع به حقوق مردمان بومی و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، «مردمان بومی از حق انجام و دوباره احیا کردن فعالیت‌های فرهنگی، آداب و رسوم خود برخوردار می‌باشند» (هانتز، ۱۳۹۶: ۹۴). یک ارتباط ذاتی و طبیعی بین فرهنگ بومی و زمین وجود دارد. براساس نظر کارشناس، «مردمان بومی زمین را جدا و متمایز از خودشان نمی‌بینند اگر آنان احساس کنند که اکوسیستم تغییر کرده است، این یک تنش روحی و ذهنی برای آنهاست. آنها احساس می‌کنند کنترلشان را بر «کشور» خود، که مسئول محافظت و مراقبت از آن می‌باشند، از دست داده‌اند. به این دلیل حق نسبت به شرکت در زندگی فرهنگی مردمان بومی و نسبت به تقویت آن به‌طور مستقیم توسط آثار تغییرات اقلیمی مورد تهدید قرار می‌گیرد» (نواری، ۱۳۸۹: ۲۸۳). به‌طور کلی، مردمان بومی به شکل نامتناسبی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند زیرا تغییرات اقلیمی خطراتی را به بقای جوامع آنها تحمیل می‌کند. در سپتامبر ۲۰۰۷، گروه حمایت بین‌سازمانی راجع به مردمان بومی، اعلام کرد که «پیشرفته‌ترین بررسی علمی به این نتیجه رسیده است که تغییر در اقلیم، به سلامت آب‌ها و زمین‌های اجدادی مردمان بومی به شدت آسیب می‌زند و و بسیاری از گیاهان و حیواناتی که مردمان بومی برای بقا به آن وابسته می‌باشند، مورد تهدید آثار فوری تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرند» (مجمع دائمی سازمان ملل متحد در مورد مسائل بومی، ۲۰۰۸: ۱). مثلاً مردم اینویت شمالگان^۱، در سال ۲۰۰۵ میلادی دادخواستی را علیه ایالات متحده آمریکا در کمیسیون آمریکایی حقوق بشر^۲ مطرح نمودند مبنی بر این‌که تغییر در میزان دسترسی به منابع غذایی سنتی و مرسوم و افزایش خطرات مربوط به سفر و تردد در یخ‌ها و شرایط آب و هوایی متغیر، حقوق آنان بر اساس کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۳، نسبت به حیات (ماده ۴)، خانواده (ماده ۱۷) و حریم شخصی (ماده ۱۱) را نقض می‌کند.

نتیجه‌گیری

تغییرات اقلیمی و اقدامات انجام شده مربوط به کاهش تغییرات اقلیمی و تطبیق یافتن با تأثیرات نامطلوب آن جوامع و ملت‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و تهدیدی نسبت به ویرانی فرهنگ افراد و ملت‌های سراسر جهان غیر قابل سکونت کردن سرزمین‌های آنان و محروم ساختن آنان از وسایل امرار معاش و زیست آنان می‌باشد. تأثیرات تغییرات اقلیمی برای جمعیت آسیب‌پذیر شامل زنان، کودکان، سالخوردگان و فقرا شدت بیشتری دارد. تغییرات اقلیمی تهدیدی جدی برای برخورداری بشر از حق نسبت به صلح است و امنیت بین‌المللی را در معرض خطر قرار می‌دهد. تغییرات اقلیمی منجر به بروز بلایای طبیعی مختلف که

۱ - Inuit People of the Arctic

۲ - Inter-American Commission on Human Rights

۳ - The American Convention on Human Rights.

تخریب منابع و امکانات حیات، دسترسی محدود به انرژی، کمبود آب و غذا را در پی دارد می‌گردد که همین مسئله به دنبال رشد جمعیت و بهره‌برداری بیش از حد از محیط زیست موجب بروز درگیری‌های بیشتر و نقض صلح و امنیت می‌گردد. صلح و امنیت واقعی و پایدار در یک جامعه بشری نتیجه منطقی تعامل و تعادل در تمام ابعاد مختلف زندگی بشری و طبیعت و محیط زیست است. ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی اقتصادی و زیست محیطی زندگی بشر باید با یکدیگر در تعامل و تعادل باشند تا در آن جامعه توسعه پایدار و در نتیجه صلح پایدار برقرار گردد. امنیت زیست محیطی یکی از اصلی‌ترین پایه‌های صلح و امنیت پایدار است که چنانچه تأمین ننگردد هرگز نمی‌توان شاهد برقراری یک صلح و امنیت پایدار و واقعی در جهان بود. تغییرات اقلیمی حق نسبت به غذا و حق نسبت به آب، حق نسبت به مسکن کافی و همچنین حق سلامت و امنیت را که جهان تهدید می‌کند.

حقوق گسترده بسیاری در اسناد بنیادین حقوق بشر به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در سایر کنوانسیون‌های حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است که به شرایط مردمی که شیوه زندگی آن‌ها از سوی تغییرات اقلیمی مورد تهدید قرار می‌گیرد مرتبط است. علیرغم آن که در سالهای اخیر تغییرات اقلیمی به شدت امنیت، سلامت و معاش مردم را مورد تهدید قرار داده است، حقوقدانان توجه خاصی را آن گونه که در خور بوده و شایسته باشد بدان مبذول نداشته‌اند. براساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها وظیفه دارند برای حفاظت از محیط زیست همکاری کنند که شامل اتخاذ اقدامات مؤثر در مقابله با تغییرات اقلیمی نیز می‌باشد. بنابراین درک کامل ابعاد انسانی تغییرات اقلیمی می‌تواند مؤثر واقع شده و منجر به اقدامات جدید (از جمله آن‌چه در کنوانسیون تغییرات اقلیمی آمده است) برای رسیدن به یک راه حل مؤثر و منصفانه برای تغییرات اقلیمی شود. دولت‌ها هم‌چنین وظیفه دارند درون قلمرو خودشان نیز از محیط زیست حمایت کنند. توجه کافی به تغییرات اقلیمی می‌تواند احتمال این‌که فعالیت‌های مربوط به اقلیم در آینده در سطح ملی و بین‌المللی محترم شمرده شود را افزایش دهد. بنابراین درک و توجه به عواقب انسانی تغییرات اقلیمی دقیقاً در مرکز مذاکرات راجع به تغییرات اقلیمی قرار دارد. کشورهای عضو کنوانسیون تغییرات اقلیمی، باید در فعالیت‌ها و اقدامات خود در ارتباط با تغییرات اقلیمی، محیط زیست را محترم شمرند. کشورهای عضو باید حمایت‌های کلی را در نظام مقابله با تغییرات اقلیمی ترکیب کنند و با ایجاد شفافیت کافی، فرصت مشارکت عموم در فرآیندهای تصمیم‌گیری را ایجاد کنند. به عنوان مثال کنفرانس دولت‌های عضو کنوانسیون تغییرات اقلیمی، می‌تواند یک گروه کارشناس راجع به تغییرات اقلیمی برای کشف و پیگیری ابعاد حقوق بشری تغییرات اقلیمی ایجاد کند. می‌توان در قالب یک تصمیم کنفرانس دولت‌های عضو، گروه کارشناس راجع به تغییرات اقلیمی و حقوق بشر ایجاد شود، اعضای آن تعریف شوند و حوزه فعالیت آن تعیین شود. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل ارائه نظرات مشورتی به کنفرانس دولت‌های عضو یا یکی از ارکان فرعی راجع به موضوعات مربوط به حقوق بشر باشد. نهادهای کنوانسیون تغییرات اقلیمی از چند روش می‌توانند مسائل حقوق بشری را مورد توجه قرار دهند. ضروری است تا جنبه‌های حقوق بشری تغییرات اقلیمی در شورای حقوق بشر، کنوانسیون تغییرات اقلیمی و سایر نهادها و مکانیسم‌های مربوطه در نظر گرفته شوند. به عنوان مثال با در نظر گرفتن

تأثیرات تغییرات اقلیمی و اقدامات اتخاذ شده برای کاهش و تطبیق یافتن با تغییرات اقلیمی بر طیف وسیعی از حقوق بشر، ضروری است تا ملاحظات و توجهات حقوق بشری در فرایندهای مربوطه کنوانسیون ساختاری ملل متحد راجع به تغییرات اقلیمی، شامل هر ساختار نهادی و قانونی حاصل از نتایج مورد توافق مذاکرات جدید، ادغام شود.

منابع فارسی

کتاب

- ۱) باکلی، هریت، تیوول، پیتر، (۱۳۹۶)، حکمروایی تغییر آب و هوا، ترجمه محمدکاظم شمس پویا، تهران، انتشارات پاپلی.
- ۲) تقدیسیان، حسین و میناپور، سعید، (۱۳۸۲)، تغییر آب و هوا، آنچه باید بدانیم دفتر طرح ملی تغییر آب و هوا، جلد اول، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول
- ۳) توکلی، محمد و زرشناس، پوریا، (۱۳۹۹)، تغییرات اقلیمی؛ توافق، پاریس، آینده بررسی تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر آینده جهان، پنجمین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در علوم، مهندسی و فناوری
- ۴) خدام، محمد، (۱۳۹۳)، درآمدی بر مباحث تغییرات آب و هوایی، مجله مدیریت امور اوپک و روابطه با مجمع انرژی، اداره مطالعات محیط زیست
- ۵) خوش رفتار، رضا، (۱۳۹۵)، تغییرات آب و هوا و میراث جهانی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۶) دسونی، دنا، (۱۳۹۶)، آب و هوا: علل و اثرات تغییرات آب و هوایی، ترجمه زهرا عربی، تهران، نشر راز نهران.
- ۷) صالحی، صادق، (۱۳۹۶)، جامعه و تغییرات آب و هوا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ۸) لستر براون، (۱۳۸۵)، خارج از تحمل کره زمین، ترجمه حمید طراوتی، نشر آرامش.
- ۹) مورگان، سالی، (۱۳۹۱)، تغییرات آب و هوایی، ترجمه محمدرضا داهی، تهران، شرکت انتشارات فنی ایران.
- ۱۰) هانتز، نیک، (۱۳۹۶)، تغییرات اقلیمی، ترجمه بهرام معلمی، تهران، انتشارات فنی ایران.

مقالات

- ۱۱) ابراهیم گل، علیرضا، (۱۳۸۷)، حق بر غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق، مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، شماره ۳۹.
- ۱۲) آجیلی، نصرالله و عسکری، نصرالله، (۱۳۹۹)، کنفرانس اقلیمی پاریس و تأثیر آن بر همکاری‌های سیاسی بین المللی، فصلنامه سازمانهای بین المللی، ۱۰: ۳۶-۶
- ۱۳) امینی، اعظم، میان‌آبادی، حجت، نداف، ناصر، (۱۳۹۷)، نقش دیپلماسی در موافقت‌نامه اقلیمی پاریس. فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، ۱۴(۴۹): ۱۷۵-۱۴۸
- ۱۴) خوش‌منش، بهنوش، (۱۳۹۴)، بررسی پیامدهای تغییر اقلیم بر حقوق بشر، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۷(۴): ۲۳۴-۲۲۳
- ۱۵) دبیری، فرهاد، پورهایمی، سید عباس، موسوی، مریم السادات، (۱۳۸۹)، بررسی جبران خسارات وارده بر محیط زیست ناشی از آلودگی‌های فرامرزی و تخریب بین المللی محیط زیست. انسان و محیط زیست، دوره ۸، شماره ۱: ۴۳-۵۰
- ۱۶) شکیبایی، علیرضا، نجاتی، مهدی، حسین‌زاده، مریم، (۱۴۰۰)، واکنش اروپا در برابر خروج آمریکا از توافق‌نامه زیست‌محیطی پاریس: رویکرد نظریه بازی‌ها. توسعه و سرمایه، ۱۶(۱): ۲۳۰-۲۰۹

- ۱۷) شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۰)، پروتکل کیوتو و تأمین مالی طرح‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال ۱۳، شماره ۳۲
- ۱۸) قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۷۹)، حق حیات، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱-۳۲
- ۱۹) نواری، علی، (۱۳۸۹)، حق برخورداری از محیط زیست سالم در دام گرمایش جهانی: اجلاس کنکان مکزیک ۲۰۱۰، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۸: ۲۷۸-۲۸۴
- پایان نامه‌ها**
- ۲۰) بابایی، مجتبی، (۱۳۹۴)، دورنمای نظام حقوقی تغییرات آب و هوا: مواضع کشورهای در حال توسعه با تأکید بر سناریوهای سه‌گانه ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده الهیات، تهران
- ۲۱) صدر، شادی، (۱۳۹۷)، مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۲۲) ظهوری زنگنه، آذین، (۱۳۹۲)، نقش شورای امنیت در برخورد با چالش‌های نوین امنیتی ناشی از تغییرات آب و هوایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- منابع انگلیسی
- ۲۳) Ali, S., Xu, H., & Ahmad, N. (۲۰۲۱). Reviewing the strategies for climate change and sustainability after the US defiance of the Paris Agreement: An AHP-GMCR-based conflict resolution approach. *Environment, Development and Sustainability*, ۱-۳۲.
- ۲۴) Dasandi, N., Graham, H., Lampard, P., & Mikhaylov, S. J. (۲۰۲۱). Engagement with health in national climate change commitments under the Paris Agreement: a global mixed-methods analysis of the nationally determined contributions. *The Lancet Planetary Health*, ۵(۲), e۹۳-e۱۰۱.
- ۲۵) Estrada, F., & Botzen, W. W. (۲۰۲۱). Economic impacts and risks of climate change under failure and success of the Paris Agreement. *Annals of the New York Academy of Sciences*.
- ۲۶) Gleditsch, N. P., Furlong, K., Hegre, H., Lacina, B., & Owen, T. (۲۰۰۶). Conflicts over shared rivers: Resource scarcity or fuzzy boundaries?. *Political Geography*, ۲۵(۴), ۳۶۱-۳۸۲.
- ۲۷) Gleick, P. H., (۱۹۸۹), *Global Climate Change and International Security*, Colo.j.int'l Env't, and pol'y, Vol. ۴, PP. ۴۱-۵۶.
- ۲۸) Halden, P., (۲۰۰۷), *The Geopolitics of Climate Change: Changes to the International System*, ۱st Edition, Cambridge University Press, Cambridge.